

فرآیند تأثیر حکمت سینوی و اسلامی در اندلس و اسپانیای معاصر^۱

زهره موسی زاده^۲

چکیده

با مطالعه دقیق فرآیند شکل‌گیری تفکر فلسفی در جهان اسلام و ورود آن به اندلس، و سیر در مکتب مترجمان طلیطله و سپس ترویج آن در دیگر کشورهای جهان غرب و با بررسی و تحلیل نقش هر یک از فلاسفه اسلامی و آثار آن‌ها در می‌یابیم که ابن‌سینا از معماران اصلی بنای تفکر، فلسفه و علم در شرق و غرب بوده است، تا حدی که می‌توان ابن‌سینا و حکمت سینوی را سرچشمه رشد و تحول تفکر فلسفی غرب در سده‌های میانی، تصور کرد. نقش مؤثر و پویای تفکر اسلامی در کشور اسپانیا به دلیل هویت تاریخی ۸۰۰ ساله آن تحت تأثیر حکومت اسلامی اندلس، این کشور را در سده‌های میانی به عنوان ناقل اصلی تفکر اسلامی به جهان غرب مبدل نمود. در عصر حاضر نیز موضع واقع‌گرای اندیشمندان و محققان اسپانیایی، در شیوه برخورد با نقش متفکران اسلامی در فلسفه و تأثیر آن در فلسفه مدرسی و سپس در رنسانس، بهترین تصویر را از جایگاه و نقش تفکر اسلامی در جهان غرب ارائه می‌کند. این مقاله در صدد است به تبیین فرآیند سیر و میزان نقش و تأثیر ابن‌سینا و حکمت سینوی بر اندلس و اسپانیای معاصر به عنوان گذرگاه انتقال فلسفه اسلامی به جهان غرب بپردازد.

واژگان کلیدی

حکمت سینوی، فلسفه اسلامی، اندلس، اسپانیای معاصر، مکتب مترجمان، سده‌های میانی، رنسانس

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۰

۲- دکتری روان‌شناسی رشد، استادیار دانشگاه امام صادق (ع) و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران

mosazadeh@isuw.ac.ir

طرح مسئله

حکمت سینیوی از آغاز تاکنون مورد توجه متفکران و فیلسوفان بسیاری قرار گرفته است، تا جایی که پس از بررسی آثار اندیشمندان و پژوهشگران اسپانیایی و سیر در آرا و نظریات آن‌ها، به جرأت می‌توان ادعا نمود که ابن‌سینا تأثیری شگرف در شکل‌گیری زیربنای تفکر، فلسفه و علم در شرق و غرب داشته است. انتخاب کشور اسپانیا با هدف بررسی فرآیند تأثیر حکمت سینیوی و اسلامی در آن حوزه، به دلیل حضور هشت سده تمدن اسلامی در اندلس و شکل‌گیری نهضت ترجمه در این سرزمین جهت انتقال فلسفه و تفکر اسلامی به جهان غرب بوده است.

اندیشه ابن‌سینا در اندلس، توسط ابن‌طفیل دریافت شد و بسیاری از آرا و آثار این متفکر بزرگ اسلامی در طلیطله (تولدو)^۱ ترجمه و به دیگر کشورهای اروپایی صادر گردید. نتایج مطالعه و بررسی آثار اندیشمندان و پژوهشگران معاصر اسپانیایی نیز بیانگر این واقعیت است که آن‌ها در مواجهه با نقش متفکران اسلامی در فلسفه و تأثیر آن در فلسفه مدرسی و بعدها در رنسانس غرب، موضع‌گیری معقول و منصفانه‌ای را اتخاذ نموده‌اند. این سرزمین در دوره‌ای ناقل اول و اصلی تفکر اسلامی به غرب بود. این بستر عظیم در سایه حکومت اسلامی اندلس فراهم آمد و در عصر حاضر نیز موضع واقع‌گرای متفکران این کشور هم‌چون کروث‌ارناندز^۲، رامون گرو^۳، لومبا فوئنتس^۴ و محققان دیگر، بهترین تصویر را از جایگاه و نقش تفکر اسلامی در جهان غرب ارائه می‌نماید.

برخلاف تصور برخی از اسلام‌شناسان غربی مبنی بر این‌که تفکر فلسفی در جهان اسلام با مرگ ابن‌رشد پایان می‌یابد، اسلام‌شناسان اسپانیایی ادامه آن را در سهروردی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر دنبال و این ادعا را رد می‌کنند. همچنین به‌رغم دیدگاه گروهی از اسلام‌شناسان غربی که نقش و جایگاه فلسفه اسلامی را در سده‌های میانی انتقالی، واسط و مترجمی می‌دانند، اسلام‌شناسان اسپانیایی اعتقاد دارند که در جهان اسلام کسانی چون ابن‌سینا، فلسفه یونانی را نقادی، تفسیر و متحول ساخته‌اند تا آنچه را که می‌خواهند، بنا کنند؛ اگر چه در این میان نقش انتقال میراث فلسفی یونانیان را هم به خوبی ایفا کرده‌اند.

همچنین برخلاف نگرش گروه قابل توجهی از شرق‌شناسان غربی که به فرهنگ و فلسفه

1-Toledo

2- Cruz Hernandez

3 -Ramon Guerrero

4- Lomba Fuentes

اسلامی به عنوان یک عنصر خارجی و بیگانه نگاه می‌کنند، اسلام‌شناسان اسپانیایی آن را هم‌راستا و به عنوان عنصری بنیادین در زیرساخت تفکر فلسفی غرب قلمداد می‌کنند. اندیشمندان معاصر اسپانیایی، با الهام از دیدگاه هانری کربن و آثار او و شناخت میزان تأثیر هر یک از فلاسفه اسلامی، با دیدگاه افرادی که غرب را خاستگاه فلسفه و هستی‌شناسی می‌دانند مخالفت می‌کنند و برای ابن‌سینا و ملاصدرا جایگاه مهمی در هستی‌شناسی قائلند و با تعمدی خاص در غالب عناوین خود عبارت فلسفه اسلامی و حکمت سینوی را مورد استفاده قرار می‌دهند.

در این مقاله، به منظور تبیین جامع و ارائه رویکردی همه‌جانبه‌نگر از جایگاه و فرایند تأثیر فلسفه اسلامی و حکمت سینوی در اسپانیا، پس از غور و تفحص در منابع علمی موجود، سه دوره تاریخی مهم - حکومت اندلس، دوره مترجمان مکتب طلیطله (تولدو) و اسپانیای معاصر - مورد بررسی قرار گرفته است.

اندلس

تفکر فلسفی در جهان اسلام به سده نخست دوران حضور اسلام برمی‌گردد که با توسعه و جذب آثار گوناگون فلسفی باستانی و جهت‌دهی آن‌ها در راستای نیازهای جهان اسلام، اندیشه اسلامی به پیشرفت و پیچیدگی شگرفی دست یافت، تا حدی که موفق شد توحید را با فلسفه یونان درآمیزد. در سده سوم هجری، فلسفه اسلامی تحت نفوذ فلسفه کندی، با تأثر از سنت هلنی و در چارچوب گرایش‌های نوافلاطونی، پایه‌گذاری شد. مشهورترین اندیشمندان این مکتب فکری مانند فارابی و ابن‌سینا، با آمیزش فلسفه افلاطون و ارسطو در پرتو فلسفه نوافلاطونی، در جهت دهی آن در مسیر دین‌وحیانی کوشیدند. در سده پنجم هجری، در حالی که شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال فعلی) نیمی در دست مسلمانان و نیم دیگر تحت سلطه مسیحیان بود، نهضت دامنه‌داری جهت ترجمه معارف اسلامی به زبان لاتین و انتقال آن به جهان غرب آغاز گردید. اسپانیا، نخستین گذرگاه بنیادین دستاوردهای نهضت ترجمه و تفکر اسلامی از شرق به غرب بوده و کتاب‌خانه قرطبه (کوردوبا)^۱ با وجود نیم میلیون نسخه خطی، مهم‌ترین کتاب‌خانه در سده‌های میانی قلمداد شده است. کلیه کتب و آثاری که از یونانی و فارسی به زبان عربی ترجمه

شده بودند، از جهان اسلام وارد کتابخانه‌های قرطبه و سپس طلیطله (تولدو)^۱ شدند و پس از ترجمه به زبان لاتین و صدور به سایر کشورهای اروپایی، بستر عقل‌گرایی و چرخش زیبا و معنادار علم و فرهنگ را فراهم نمودند.

مسلمانان در اندلس - واقع در نیمه جنوبی اسپانیا - پس از دستیابی به اوج قدرت، تمدن بزرگی را آفریدند، اما به تدریج دچار تفرقه شدند و با تشکیل حکومت‌های ملوک‌الطوایفی حاکمیت مسلمانان تجزیه گردید. هم‌زمان با این وقایع، علوم و معارف آن‌ها توسط رقبایشان در شهر طلیطله ترجمه شده، زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدنی جدید گردید. سی صد سال بعد، با قدرت‌مند شدن جهان مسیحیت، آن‌ها توانستند بر مسلمانان چیره شوند و در سال ۱۴۹۲، مقارن با کشف آمریکا، مسیحیان بر کل اندلس حاکمیت یافتند (Hernandez, 1992, P.239).

اندیشمندان بزرگ اندلسی در حوزه فلسفه - ابن‌باجه، ابن‌طفیل و ابن‌رشد - همانند دیگر اندیشمندان این سرزمین، متأخر از سه فیلسوف بزرگ شرق - کندی، فارابی و ابن‌سینا - قدم به عرصه وجود گذاشته‌اند. پژوهشگران سده نوزدهم و اوائل سده بیستم، هیچ‌گونه انتقادی را در ارتباط با طرح این موضوع ارائه نکرده‌اند. ابن‌مسره، متأخر از کندی است، اما ابن‌باجه و ابن‌طفیل، به ترتیب شناخت بالایی از فارابی و ابن‌سینا داشته و بسیار متأخر از این دو فیلسوف هستند. ابن‌باجه بیشتر متأثر از فارابی است و کل آثار این اندیشمند شرقی را مورد استفاده قرار می‌دهد ولی ذکری از ابن‌سینا به میان نیاورده است. در حالی‌که ابن‌طفیل، ضمن آشنایی با کلیت اندیشه اندلسی پیش از خود، شناخت خوبی از اندیشمندان شرقی دارد. از تحقیقات به عمل آمده در این زمینه به این نتیجه می‌رسیم که استمرار فلسفه اسلامی شرقی-کندی، فارابی و ابن‌سینا - در غرب توسط ابن‌باجه، ابن‌جیروول (در عربی ابن‌جیروول)، ابن‌طفیل و ابن‌رشد تحقق یافته است (Ibid, 1993, P.37-51).

از مجموع مطالعات کروث ارناندز و همکاران در منابع و مقالات ارائه شده، می‌توان ترتیب و مراحل ظهور علوم و معارف و فلسفه اسلامی را در اندلس این‌گونه ترسیم کرد: طب، به عنوان نخستین حوزه علمی در سده نهم و کمی بعد منابعی درباره هندسه و سپس علم منطق در سده دهم وارد اندلس شدند. در اواخر سده دهم، با گسترش طبیعیات، کتاب مطالعه درباره آسمان^۲ و علم نجوم مورد توجه قرار گرفت. هم‌چنین در اواخر سده دهم یا آغاز سده یازدهم نوشته‌های مربوط به علم منطق کندی، توسط ابن‌حزم معرفی گردید. سپس

1-Toledo

2- De Caelo

ابن باجه، آثار فارابی را در زمینه‌های منطق، فیزیک، روان‌شناسی، متافیزیک و اخلاق به جامعه اندلس ارائه نمود (Hernandez, 2001, P.273-307).

اندیشه ابن‌سینا در اندلس - تقریباً یک سده پس از مرگ این اندیشمند شرقی - توسط ابن‌طفیل در اوایل سده دوازدهم در حالی دریافت شد که حکایت از علاقه وافر او به ابن‌سینا دارد و لوپزفارخه آت^۱، ابن‌طفیل را سنتزی از ابن‌سینا و غزالی توصیف می‌کند. پس از ابن‌طفیل، آثار ابن‌سینا توسط ابن‌رشد - با دقت اما با رویکرد انتقادی - مورد نقد و بررسی قرار گرفت. برخی از محققان اختلاف میان دیدگاه ابن‌رشد و نظریات ابن‌سینا، را ناشی از تفاوت در شناخت فلسفه ارسطویی قلمداد می‌کنند و گروهی دیگر معتقدند که اختلاف اساسی میان دو رویکرد کاملاً عقلی ابن‌رشد و دیدگاه عقلی - اشراقی ابن‌سینا بوده است. گرچه ابن‌رشد تلاش کرد فلسفه ارسطو را از کلیه تفاسیر و دیگر سنن فلسفی نظیر نوافلاطونی خالص نماید، اما خود او فلسفه ارسطو را از ابن‌سینا فراگرفت (farjeat, 2007, P.160-164).

ابن‌طفیل سنت و حکمت سینوی را به ویژه در نوشتن داستان‌های فلسفی با به‌کارگیری نمادهای زبانی دنبال می‌کند، با این تفاوت که داستان او یک رمان فلسفی است که هدف نهایی آن عرفان و خلسه است. در حالی که ابن‌سینا در داستان‌هایش، زمینه را برای درک بهتر فلسفه شرقی خود آماده می‌کند. به هر حال هر دو نوع داستان در این اندیشه شریک هستند که هدف غایی فلسفه حقیقی، شناختی است که به اشراق ختم می‌گردد. وی در زمینه ارتباط ابن‌سینا با ارسطو می‌گوید: استاد ابوعلی (سینا) عهده‌دار تبیین فلسفه ارسطوست و روش فلسفی او را در کتاب *شفای* خود دنبال می‌کند، اما در آغاز کتاب این چنین اعتراف می‌کند که حقیقت به نظر او چیز دیگری متفاوت از محتوای این کتاب است و اگر کسی در پی حقیقت ناب است باید کتاب او را در زمینه فلسفه اشراق بخواند (Guerrero, 1996, P.106).

ابن‌طفیل و ابن‌رشد دو چهره اصلی و مشخص در شناخت و معرفی ابن‌سینا در قلمرو حکومت اسلامی اندلس بودند که اولی با نگاهی مثبت، مدافع نظرات ابن‌سینا و دومی با مطالعه آثار ابن‌سینا، در پی مطالعه و دریافت ارسطوی غیرسینوی بوده است. البته باید در نظر داشت که آن‌ها متأخر از ابن‌سینا بودند و متافیزیک ارسطو را از طریق حکمت سینوی در اندلس دریافت و ترویج نمودند، بنابراین وارث فلسفه اسلامی و یونانی از طریق ابن‌سینا به شمار می‌روند (op.cit, P.114).

مکتب مترجمان طلیطله

طلیطله پس از قرطبه، دومین شهر بزرگ اسلامی اندلس بود. شهری با دویست هزار نفر جمعیت، مرکب از یهودی، مسیحی و مسلمان که در سال ۱۰۸۵ میلادی به دست آلفونسو ششم فتح و از قلمرو حکومت اسلامی اندلس خارج شد. به هنگام فتح طلیطله، در کتابخانه‌های این شهر حدود دویست و پنجاه هزار نسخه خطی به زبان عربی وجود داشت. این کتابخانه، در مقایسه با کتابخانه قرطبه به عنوان پایتخت حکومت اندلس (دارای نیم میلیون نسخه خطی)، نیز حائز مقام دوم بود. فاتحان این شهر، با گنجینه عظیمی از دانش که طی سالیان طولانی در آن جا گردآوری شده بود، مواجه گردیدند (Guerrero, 1985, P.53-59).

وجود منابع و نسخ خطی فراوانی که همگی به زبان عربی بودند، اسقف اعظم طلیطله، رایموندو^۱ را برانگیخت تا پس از مشورت با دومینگو گوندی سالوو^۲ (معاون اسقف سگویا)^۳ که فیلسوف و مسلط به زبان لاتین بود، از خوان هیسپانو^۴ (یهودی‌الاصل و مسلط به زبان عربی، مشهور به یوحنا اشیلی) جهت همکاری در انجام ترجمه هم‌زمان متون عربی به زبان لاتین دعوت کند. نتیجه فلسفی این نهضت ترجمه، دستیابی به آثار کندی، فارابی، ابن سینا، غزالی و برخی از اشاعره و حکمای اندلس مانند ابن‌باجه، ابن‌طفیل و ابن‌رشد به زبان لاتین بود. این دو مترجم در آغاز کار به سراغ کتاب *درباره نفس*^۵ ابن سینا رفتند. خوان هیسپانو، متون عربی را به زبان رومانس (زبان مادر برای زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، پرتغالی و...) قرائت نموده و گوندی سالوو مطالب را به زبان لاتین می‌نوشت. لازم به ذکر است که در آن زمان هنوز زبان اسپانیایی به عنوان زبانی مستقل تکامل نیافته بود. بدین‌نحو اتمام ترجمه این منبع ارزشمند در سال ۱۱۴۰ میلادی، انگیزه‌های زیادی را برای ادامه کار ایجاد کرد. در نیمه دوم سده دوازدهم، آن‌ها علاوه بر کتاب مذکور، برخی از بخش‌ها و متون کتاب *شفاء*، منطق، فلسفه، عقل، یک بخش از *طبیعیات*، *مابعدالطبیعه*، کتاب *درباره آسمان* و برخی دیگر از منابع علمی ابن‌سینا را ترجمه کردند. از میان آثار ابن‌سینا، بیشتر کتب *شفاء* و *قانون* ترجمه شده است و به آثار غیرمشایی او، مانند *الحکمه‌المشرقیه*، *الاشارات و التنبیهات*، *حی‌بن‌یقطان*، *رساله‌الطیر* و... توجه خاصی نشده است (Gazquez, 2010, P.244-257). نهضت ترجمه در طلیطله دارای دو دوره مجزا بود و هر

1- Raimondo

2- Domingo Gundisalvo

3- Segovia

4- Juan Hispano

5- De Anima

دوره ویژگی خاص خود را داشت. نخستین دوره به ابتکار و تحت حمایت اسقف اعظم رایموندو و دوره دوم با روی کار آمدن شاه آلفونسو دهم^۱ شکل گرفت. در دوره نخست، به تشویق رایموندو و به همت مترجمان مشهوری هم چون دومینگو گوندی سالوو، خوان هیسپانو و میگل اسکوتو^۲ (مایکل اسکات)، گاردو دِ کرمونا^۳، هرمان آل آلمان^۴ آثار فلسفی و مذهبی از عربی به لاتین ترجمه شده و در اثر کار آن‌ها، آشنایی با فلسفه ارسطویی و افلاطونی با تفاسیر فلاسفه‌ای چون ابن سینا و فارابی در دانشگاه‌های اروپایی امکان‌پذیر گردید.

این مرحله مقارن با دوره تأثیر نفوذ علوم شرقی در اروپاست که به تدریج استفاده از منابعی هم چون *قانون ابن سینا* و متون دیگر مانند نجوم، ستاره‌شناسی و جبر از آثار رازی و خوارزمی به عنوان کتب درسی دانشگاه‌های اروپایی متداول می‌گردد. در نیمه دوم سده دوازدهم، گاردو دِ کرمونا که به زبان عربی مسلط بود، با همکاری جمعی از مترجمان، هفتاد و یک اثر در زمینه‌های فلسفه، ریاضیات، نجوم، فیزیک، مکانیک، طب، ستاره‌شناسی، شیمی و رمل و اسطرلاب را ترجمه کرد. در این میان یکی از معروف‌ترین ترجمه‌های وی کتاب *قانون در طب ابن سینا* بود.

با روی کار آمدن شاه آلفونسو دهم، مرحله دوم ترجمه آثار مربوط به نجوم، فیزیک، شیمی و ریاضیات شروع شد. کتاب ساخت ساعت‌ها، شطرنج، جداول نجومی و جداول آلفونسی از آثار معروف این دوره است. حتی در زمینه ادبیات، ترجمه نسخه عربی مجموعه فارسی *کلیده و دمنه* نیز در این دوره انجام شده است. سیاست فرهنگی این پادشاه بر انجام ترجمه‌هایی از دیگر آثار اسلامی از جمله قرآن نیز متمرکز گردید. وی تلاش زیادی در زمینه وسعت و اقتدار زبان اسپانیایی و تبدیل آن به زبان حکومتی و علمی نمود. در خلال دهه‌های نخست سده سیزدهم، دانشمندان و روشنفکران بسیاری به دلیل پویایی فرهنگی طلیطله به این شهر روی آوردند. به‌رغم اظهارات بسیاری از مورخان، نهضت ترجمه با دوره آلفونسو دهم خاتمه نیافته و تا سده‌های چهاردهم و حتی شانزدهم نیز ادامه یافت (Hernandez, 1993, P.37-51).

پیامدهای مکتب ترجمه

آثار ترجمه شده در تولدو، مهم‌ترین بنیان‌های علمی و مطالعاتی را در خارج از اسپانیا، به ویژه دانشگاه‌های پاریس و بولونیا (واقع در شمال ایتالیا)، به وجود آورد. پس از سده سیزدهم، آثار

1- Alfonso x

2- Miguel Escoto

3- Gerardo de Cremona

4- Herman el Aleman

مربوط به تفکرات ارسطویی، تصوف، نوافلاطونی و ابن‌رشد، در مباحث عمده دانشگاهی بالاترین نفوذ را داشتند. اساسی‌ترین موضوع این مباحث، حکمت سینیوی بود. از طرفی کاربرد روش تجربی از سوی مسلمانان، پایه‌ای برای توسعه علم مدرن و دست‌مایه‌ای برای اختراعات گالیله، کپرنیک، کپلر و حتی نیوتن گردید (Hernandez, 2010, P.273-307).

نفوذ ابن‌سینا در تفکر فلسفی قرون وسطای لاتین دارای چندان اهمیتی بود که ژیلسون^۱، کل حکمت مدرسی مسیحی جاری را مکتب آگوستینی - سینیوی^۲ می‌نامد. فلاسفه‌ای هم‌چون سنت‌آگوستین^۳، سنت‌توماس‌آکوئیناس^۴، سنت‌بوناونتوره^۵، آلخاندرو د‌آلس^۶، سان-آلبرتو ماگنو^۷، ماگنو^۷، جان‌اسکات^۸، راجریکن^۹ و بسیاری دیگر از متفکران سده‌های میانی تحت تأثیر حکمت سینیوی بودند. رویکرد فلسفی و بسیاری از نظریه‌های منسوب به ابن‌سینا مانند فلسفه دین، نظریه حیثیت التفاتی^{۱۰}، تمایز ماهیت از وجود، نظریه عوالم، اصل فردیت، نظریه عقل، براهین اثبات واجب‌الوجود، نظریه قدیم یا حادث بودن عالم و غیره، تقریباً به طور تمام‌عیار توسط فلاسفه آن‌زمان مورد بهره‌برداری قرار گرفت که سنگ بناهایی برای شکل‌گیری نظام‌های بزرگ مدرسی در سده سیزدهم گردید، اگرچه کاربرد اندیشه ابن‌سینا توسط فلاسفه، گاه منجر به بروز و ظهور نظریه‌های متعارض و ناهم‌ساز گردید. به عنوان مثال در مسئله مشهور تمایز ماهیت و وجود که سنت‌توماس‌آکوئیناس از ابن‌سینا تأثیر گرفته بود، اصل سینیوی برداشت شده این بود که وجود عارض بر ماهیت است؛ اما جان‌اسکات از همین اصل نتیجه بسیار متفاوتی استنباط می‌کند.

دکتر سوتیل^{۱۱}، با حمایت از خنثی بودن ماهیت‌های صرفاً ممکن که بودن و نبودن آن‌ها مساوی است، مفهوم طبیعت مشترک خود را از حکمت سینیوی استنباط کرده است، اما باید خاطر نشان کرد که متفکران لاتین سده‌های میانی، با همه دانش و تقدس، فقط توانستند از عهده ترجمه لاتینی سده‌های میانی برآیند و در پیشبرد نظریه‌های ابن‌سینا کاری انجام ندادند بلکه

-
- 1- Gilson
 - 2- Augustinismo Avicenzado
 - 3- St. Augustine
 - 4- St. Thomas Aquinas
 - 5- St. Bonaventure
 - 6- Alejandro de Ales
 - 7- St. Alberto de Magno
 - 8- John Scott
 - 9- Roger Bacon
 - 10- Intencionalidad
 - 11- Sutil

بیشتر در پی استفاده از اندیشه او برای تلاش‌های فلسفی - الهیاتی خود بودند
(Hernandez, 1992 P.236-240).

امروزه کسی منکر آن نیست که اسکولاستیک مسیحی بر پایه متون اسلامی استوار گردید. در فلسفه، همانند علم، اندیشه اسلامی حلقه اتصالی میان اندیشه عصر قدیم و اندیشه مدرن است، تا حدی که شهرت ابن‌سینا و ابن‌رشد در غرب بر شهرت آن‌ها در شرق بسیار تفوق دارد. اهمیت ابن‌سینا که به عنوان نقطه عطف تاریخ تفکر سده‌های میانی در نظر گرفته می‌شود، مبتنی بر جامعیت آثار اوست. کتاب *شفای ابن‌سینا* دائرةالمعارفی است که زمینه‌ساز نظامی علمی شد که سده‌ها تداوم یافت (Fuentes, 1991, P.76).

اسپانیای معاصر

ترویج علم و حکمت اسلامی و به طور خاص، حکمت سینوی، توسط مکتب مترجمان طلیطله، پیامدهای مهمی در فلسفه و علم اروپای سده‌های میانی داشت و استمرار آن پایه‌ای برای آغاز دوره رنسانس در غرب گردید. از آغاز نهضت ترجمه در نیمه سده دوازدهم میلادی، علاقه به مطالعه آثار ابن‌سینا به ویژه مابعدالطبیعه و به تعبیر وی الهیات، جایگاه ویژه‌ای داشته و هم‌چنان ادامه یافته است.

رامون گرورو، استاد فلسفه سده‌های میانی در دانشگاه کمپلوتنسه^۱ مادرید معتقد است که تاریخ فلسفه، تاکنون ابن‌سینا را به طور کامل درک نکرده است؛ زیرا هنوز مسائل زیادی وجود دارد که ابن‌سینا برای اندیشه فلسفی طرح کرده است و باید مورد مذاقه قرار گیرد.

پس از دوره رنسانس و با رشد علم و فلسفه در غرب، نه تنها بسیاری از پژوهشگران ریشه‌های این نوزایی و رشد را فراموش کرده بودند یا ذکری از آن به میان نمی‌آوردند، بلکه به طور کلی، جایگاه و عظمت آن نیز نزد آنان مغفول مانده بود. در نیمه نخست سده بیستم در اروپا به ویژه فرانسه، متفکرانی چون لویی ماسینیون، اتین ژیلسون و هانری کربن مطالعه در زمینه فلسفه و عرفان اسلامی را آغاز کردند و توسعه بخشیدند که در این میان هانری کربن دارای بیش‌ترین تأثیر بوده است (Guerrero, 2001, P.31-59).

در اسپانیا، پس از سال ۱۹۱۴، با انتشار اثر ارزشمند آسین پالاسیوس^۲، وضعیت تغییر کرد و توجه محققان به سوی تفکر اسلامی به عنوان عنصری تعیین کننده در تاریخ توسعه فلسفه و

1- Complutense

2- Asin Palacios

عرفان در آن کشور و سایر کشورهای اروپایی جلب شد. در نتیجه، در دوران معاصر اسپانیا، نقطه عطف چرخش و جذب افکار به سوی توجه به تأثیر و جایگاه فلسفه و عرفان اسلامی در تاریخ اندیشه این کشور، به سال ۱۹۱۴م و انتشار کتاب/ین مسره و مکتب/و نوشته آسین پالاسیوس باز می‌گردد.

پس از آسین پالاسیوس مطالعه درباره فلاسفه و عرفای مسلمان آغاز شد و رونق گرفت و اندیشمندان بسیاری در این حوزه به تحقیق پرداختند. به ویژه آن که بخش اعظم این مطالعات به اسپانیای اسلامی یا اندلس مربوط می‌شد که این خود دلیل آشکار و مهمی برای تقویت انگیزه اندیشمندان این مرز و بوم در زمینه مطالعات اسلامی بود. فیلسوف بزرگی چون ابن رشد و یا عارف بزرگی چون ابن عربی از مفاخر و موارث علمی اسپانیا محسوب می‌گردند که در خلال جست‌وجو در هر مقوله‌ای از تحقیقات این مفاخر علمی، رد پای یک فیلسوف بزرگ و ابرمرد عالم اندیشه، حکیم ابوعلی سینا اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (Guerrero, 1985, P.176).

پویچ مونتادا^۱، از اساتید برجسته فلسفه اسلامی در دانشگاه کمپلوتنسه مادرید، از ابن سینا به عنوان یک فیلسوف مسلمان نام می‌برد که به متافیزیک شکل می‌دهد و بر تفکر سده‌های میانی لاتین نفوذ و تأثیری تعیین‌کننده و درخور تحسین داشته است. وی اعتقاد دارد نقش ابن سینا صدها سال پس از او نادیده انگاشته شد و بسیاری نقش او را تنها به عنوان ناقل و یا واسطه‌ای برای فلسفه ارسطو در نظر گرفتند. اما بر اساس رویکرد معاصر، در توجه به جریان تاریخ فلسفه، با در نظر گرفتن مطالعات در زمینه تمایز ماهیت و وجود، مجدداً عظمت و برجستگی ابن اندیشمند ایرانی در صحنه تفکر نمایان شد (Muntada, 1988, P.94-96).

لوپز فارخه‌آت، اسلام را مقوله‌ای فراتر از یک پدیده صرفاً مذهبی در نظر می‌گیرد و آن را در کلیه ابعاد حیات اجتماعی و فردی حاضر می‌بیند، امری که فلسفه، هنر، روابط اجتماعی و سیاست را در برمی‌گیرد. وی اعتقاد دارد که اسلام و مسیحیت در یک دوره معین از سرچشمه‌ای به نام فلسفه یونان سیراب شده و تفکر نقادانه فلاسفه اسلامی، فلسفه یونانی را تصحیح می‌کند و آن را بارور، و غنی ساخته است، نه اینکه صرفاً مخلوطی از فلسفه ارسطو و افلاطون را آفریده باشد. همچنین وی اظهار می‌کند از همان ابتدا، فلسفه اسلامی چیزی فراتر از سنت مترجمان بود. هر یک از فلاسفه اسلامی، تفکر فلسفی را به روش خاص خود غنا بخشیدند، کندی با برداشت الهیاتی خود؛ فارابی با مهارت برجسته‌اش در فلسفه سیاسی و با الهام از مدینه فاضله، و ابن سینا

با الگوی متافیزیکی فیض از سنت نوافلاطونی (Farjeat, 2007, P.167). پس از غور و تفحص در آرا و نظریات اندیشمندان اسلام‌شناس معاصر اسپانیایی، به منظور بررسی جایگاه ابن‌سینا و نقش حکمت سینوی در آثار ابن‌فلاسفه، در این بخش از مقاله، دیدگاه‌های اندیشمندان برجسته‌ای که در مطالعات اسلامی خود دارای اثر مستقلی درباره ابن‌سینا هستند، ارائه می‌گردد.

کروث ارناندز

کروث ارناندز از اندیشمندان معاصر است که کلیه متفکران اسلامی و تاریخ فرهنگی و اجتماعی اندلس را مورد مطالعه قرار داد، اما بیش‌تر به این سه محور پرداخت: ابن‌سینا و حکمت سینوی لاتینی؛ ابن‌رشد و ابن‌رشدگرایی و تاریخ اندیشه در جهان اسلام. پویج مونتادا، اظهار می‌دارد: در دهه ۴۰، در اسپانیا میگل کروث ارناندز رساله دکترای خود را در سطح بالای علمی به ابن‌سینا اختصاص داد. او در این رساله به اندیشه تمایز میان ماهیت و وجود از نگاه ابن‌سینا عمق بخشید و مباحث هستی‌شناسی، تقسیمات وجود و درجات متفاوت آن را از منظر حکمت سینوی مطرح نمود. او در سال ۱۹۴۶م برای ادامه مطالعات خود در فرانسه از وزارت خارجه بورس گرفت و از دیدگاه فلسفی هانری کربن و لوئی ماسینیون بهره جست. او با چاپ کتاب *تاریخ تفکر در جهان اسلام*^۱ (۱۹۸۱)، افق جدیدی را برای معرفی تفکر اسلامی در اسپانیا گشود (Muntada, 1988, P.96).

کروث ارناندز در معرفی ابن‌سینا چنین اظهار می‌کند: جایگاه استثنایی ابن‌سینا، هم در اندیشه اسلامی و هم در سده‌های میانی لاتین، ریشه تفاسیری است که گاه متجانس و گاه غیرمتجانس‌اند. کمیت و تنوع متون سینوی، غنای داده‌ها درباره زندگی ابن‌سینا، اعتقاد شیعی خانواده او، طبیعت نمادین برخی از کتاب‌هایش و سرانجام برخی اظهارات قطعی ابن‌سینا در مقدماتش بر *منطق‌المشرقیین و الشفا*، طبیعت فلسفه و مقصد اصلی نظریه او را به مسئله‌ای غامض تبدیل می‌کند و به این دلیل بازخوانی، بازتولید و ارتقا هر آنچه را که پیش از این در زمینه حکمت او نوشته‌ام، مجدداً آغاز نمودم (Hernandez, 1992, P.235).

وجه تمایز او با برخی از اسلام‌شناسان این بود که او فرهنگ اسلامی و اندلسی را نه یک فرهنگ خارجی و بیگانه بلکه سرچشمه‌ای پر ثمر برای فرهنگ متکامل و رو به رشد غرب

می‌دید. به تعبیری، کروث ارناندز را می‌توان هانری کرین اسپانیا نامید. وی به هنگام اقامت خود در پاریس توجه آتین ژیلسون را به حکمت سینیوی لاتینی جلب کرده بود (Muntada, 1988, P.97). بنیاد فرناندو ریلو^۱، در مجموعه مقالات چاپ شده تحت عنوان اندیشه سده‌های میانی به کنفرانس تاریخ فلسفه در اسپانیا اشاره می‌نماید: در این کنفرانس میگل کروث ارناندز، بخش عمده‌ای از مقاله خود را به حکمت سینیوی اختصاص داد و درباره نقد انجام شده بر حکمت سینیوی توسط ابن‌رشد و ابن‌میمون در راستای ارسطوی کمتر نوافلاطونی، و همچنین ویژگی روشنی‌بخش و متعادل دریافت ابن‌طفیل از ابن‌سینا در برابر هرمنوتیک سهروردی به بحث پرداخت (Segovia, 2001, P.287-299).

کروث ارناندز در منابع متعددی از جمله تاریخ/اندیشه در جهان اسلام و منابعی دیگر به بررسی آرا ابن‌سینا می‌پردازد، اما سه اثر زیر را به طور مستقل به زندگی و حکمت این اندیشمند بزرگ جهان اسلام اختصاص داده است:

۱- متافیزیک/ابن‌سینا، گرانادا، دانشگاه گرانادا، ۱۹۴۹م

۲- زندگی/ابن‌سینا به عنوان معرف فلسفه/ش، سالامانکا، آنتما، ۱۹۹۷م

۳- ابن‌سینا، سه رمزنامه، مادرید، تکنوس، ۱۹۹۸م

رامون گرو

وی استاد فلسفه سده میانی در دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه کمپلوتنسه مادرید است که در مطالعات خود به جایگاه ابن‌سینا در تفکر فلسفی اسپانیا و غرب به خوبی اشراف یافته، در متون و نشست‌های علمی، عظمت این فیلسوف بزرگ و تأثیر او را متذکر می‌شود. جایگاه علمی او در این زمینه، به طور قطع پس از کروث ارناندز قرار دارد. وی رساله مستقلی تحت عنوان *ابن‌سینا* دارد که به صورت کتاب در ۱۹۹۴م به چاپ رسید.

رامون گرو، در مقاله اخیرش تحت عنوان «ابن‌سینا: درباره عشق^۲»، که بازتاب مطلوبی در محافل علمی داشت، به بررسی عشق از نگاه ابن‌سینا می‌پردازد. وی برخلاف برخی از متألهان مسیحی که مقوله عشق را خاص مسیحیت نشان می‌دهند و عکس آن را به جهان اسلام نسبت می‌دهند، بر این نکته مهم اشاره کرده است که عشق در اسلام جایگاه بنیادین و فلسفی دارد و

1- Fernando Riello

2-Avicena: Sobre el Amor

صرفاً جلوه‌ای عرفانی نیست، تا حدی که در تفکر اسلامی جای آن در بطن خلقت دیده شده است. وی در این مقاله می‌گوید: عشق در جلوه‌های گوناگون تفکر اسلامی حضور داشته و ابن‌سینا رساله‌ای درباره عشق دارد که به عنوان یک متن عرفانی در نظر گرفته شده است. مطالعه دقیق این اثر نشان می‌دهد که محتوای آن عرفان و تصوف نیست، بلکه با نظریات فلسفی سینوی تقارن دارد. اگر چه به این اثر مهم او توجه لازم مبذول نگردیده است. گرو، ضمن تفصیل محتوای این رساله، چنین اظهار می‌کند: «ابن‌سینا با تعمق در پرتو فلسفه عشق به عنوان نیروی تکاملی جهان، در دو موضع ایفای نقش می‌کند: در جایگاه پزشک با هدف درمان بیمار؛ و در جایگاه فیلسوف. او در این جایگاه، عشق را به عنوان نیرویی می‌شناسد که موجودات را به سوی خیر اعلی تکامل می‌بخشد» (Guerrero, 2008, P.251).

در نهمین سمینار تاریخ فلسفه اسپانیا که در دانشکده فلسفه دانشگاه کمپلوتنسه مادرید به بررسی فلسفه و عرفان و رابطه آن‌ها با یک‌دیگر اختصاص یافت، رامون گرو بحث خود را تحت عنوان «فلسفه و عرفان: ابن‌سینا و ابن‌طفیل»^۱ با طرح این سؤال که - آیا فلسفه و عرفان می‌توانند با هم سازش داشته باشند یا خیر؟- آغاز نمود. وی پس از پرداختن به این موضوع، چنین اظهار کرد که اگر امکان تعلیم عرفان از متون فلسفی را جست‌وجو کنیم، زمانی بدان دست می‌یابیم که عارف با زبان فلسفی کاملاً متفاوتی بنویسد. تجلی این روش را می‌توان در اندیشمندانی چون ابن‌سینا و ابن‌طفیل یافت (Ibid, 1998, P.258).

لومبا فوئنتس

فوئنتس استاد اسلام‌شناس در دانشگاه ساراگوسا^۲ و دارای تألیفات متعددی در زمینه فرهنگ و تمدن اسلامی و همین‌طور اندیشمندان جهان اسلام در دوره حکومت اسلامی اندلس است. وی در میان متفکران جهان اسلام، به ابن‌سینا توجه خاصی داشته و کتاب جامعی در معرفی ابن‌سینا و آثارش نگاشته است. کتاب جدید فوئنتس، تحت عنوان *ابن‌سینا، فیلسوفی اجتناب‌ناپذیر*^۳، که در *بارسلون* به چاپ رسید، از ابعاد گوناگون به معرفی ابن‌سینا پرداخته است. مطالب عمده این کتاب مشتمل بر زندگی، آثار، اهمیت و ویژگی‌های اندیشه ابن‌سینا، مفهوم سینوی فلسفه، بخش‌هایی از فلسفه ابن‌سینا شامل - مسئله وجود، خلقت جهان، مسئله بشر، موجود انسانی، مسئله معرفت

1-filosofia y Místico: Avicena y Ibn Tofail

2- Saragoza

3- Avicena Esencial

محض و عقل، جامعه و سیاست - و ابن سینای طبیب است (Fuentes, 2009). این اندیشمند در معرفی ابن سینا این‌گونه بیان می‌کند: «اندیشه او به عنوان یکی از قطعات کلیدی تاریخ فلسفه، نه تنها در رابطه با جهان اسلام، بلکه در غرب نیز، به طور قطعی در شکل‌گیری و توسعه فلسفه اسکولاستیک مسیحی دارای نقش اساسی بوده است». وی در بخش دیگری از کتاب خود به معرفی آثار ابن سینا و تأثیر آن‌ها در غرب و رنسانس می‌پردازد و در مورد کتاب *شفا* چنین می‌گوید: «کتاب شفا، دایره‌المعارف عظیم درک فلسفی است که در سده‌های میانی همه کتاب یا بخش‌هایی از آن به زبان لاتین برگردانده شده و مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است و مترجمانی چون دومینگو گوندی‌سالوو، میگل اسکوتو (مایکل اسکات)، خوان هیسپانو در ترجمه آن کوشش فراوان کرده‌اند. این اثر عظیم، هم اکنون نیز به زبان عربی در قاهره به چاپ می‌رسد.

وی در ادامه این بخش به بررسی ترجمه آثار ابن سینا در دیگر کشورهای اروپایی می‌پردازد (Fuentes, 1991, P.141-166).

آندرس سگوبیا

آندرس سگوبیا دکترای فلسفه از دانشگاه کمپلوتنسه مادرید است و تحقیقات او بر مطالعه تطبیقی ادیان الهی متمرکز است. وی در رساله دکتری خود به بررسی مطالعه هستی‌شناسی در فلسفه ملاصدرا می‌پردازد. این رساله بعدها تحت عنوان، *فلسفه اسلامی و مسئله هستی* به چاپ رسید. سگوبیا، دارای مقالات عدیده‌ای در نشریات تخصصی در زمینه معرفی متفکران ادیان آسمانی است. متفکران جهان اسلام، به ویژه ابن عربی، ملاصدرا و ابن سینا مورد توجه خاص او هستند. آخرین اثر ارزشمند وی به ابن سینا تعلق دارد که تحت عنوان *ابن سینا، مسائل الهیات*^۱، به چاپ رسیده است. در اروپای معاصر سه ترجمه از الهیات ابن سینا به زبان‌های اروپایی توسط هورتین^۲ به زبان آلمانی (۱۹۷۰)، اناواتی^۳ به زبان فرانسه (۱۹۸۵) و لیزینی^۴ به زبان ایتالیایی (۲۰۰۲) وجود دارد. اگر چه کروث ارناندز در سال ۱۹۵۰ گلچین جامعی از آن را به زبان اسپانیایی منتشر کرد، اما مجموعه آثار منتخب توسط آندرس سگوبیا، علاوه بر منابع مذکور، از مطالب

1- Avicena, Cuestiones Divinas "Ilahiyyat"

2- Horten, M

3- Anavati, G. C

4- Lizzini, O

متون اصلی عربی نیز استفاده کرده است. این متون مشتمل بر مقالات اول، ششم، هشتم، نهم و دهم الهیات شفا است که به طرح و تبیین مبانی الهیاتی این عالم بزرگ اختصاص یافته است (Segoria, 2006, P.145).

نتیجه گیری

پس از مطالعه و تحقیق در زمینه نقش و میزان تأثیر ابن سینا و حکمت سینوی در فرآیند شکل‌گیری تفکر فلسفی در اندلس و سپس ترجمه و انتقال آن به جهان غرب، درمی‌یابیم که نظام‌مندی نهایی فلسفه اسلامی مدیون ابن سینا است، کسی که اندیشه‌اش بعدها به طور قطع در کل جهان اسلام و همین‌طور جهان مسیحیت و یهودیت سده میانی نفوذ کرد و فلسفه مدرسی را به یک جریان وسیع تبدیل کرد. نقش او به عنوان یکی از معماران اصلی بنای تفکر، فلسفه و علم مطرح است و حکمت سینوی را می‌توان سرچشمه رشد و تحول تفکر فلسفی در غرب سده‌های میانی و ایجاد بنیان‌های فکری رنسانس تصور کرد. البته هشت سده حکومت مسلمانان بر اندلس نیز در بسترسازی این فرایند و شکل‌گیری تمدنی جدید تحت تأثیر ترجمه علوم و معارف اسلامی، بر اهمیت نقش اسپانیا به عنوان گذرگاه اصلی انتقال تفکر اسلامی به جهان غرب افزوده است. دو چهره اصلی و مشخص در شناخت و معرفی ابن سینا در قلمرو حکومت اسلامی اندلس، ابن طفیل و ابن رشد بودند که اولی با نگاهی مثبت، مدافع نظرات ابن سینا و دومی با مطالعه آثار ابن سینا، در پی مطالعه و دریافت ارسطوی غیرسینوی بوده است. نفوذ ابن سینا در تفکر فلسفی سده میانی لاتین دارای چندان اهمیتی بود که می‌توان کل حکمت مدرسی مسیحی جاری را مکتب آگوستینی - سینوی نامید. فلاسفه نام‌آوری هم‌چون سنت آگوستین، سنت توماس آکوئیناس، سنت بوناونتوره، جان اسکات، راجربیکن و بسیاری دیگر از متفکران سده میانی تحت تأثیر حکمت سینوی بودند. رویکرد فلسفی و بسیاری از نظریه‌های منسوب به ابن سینا مانند فلسفه دین، نظریه حیثیت التفاتی، تمایز ماهیت از وجود، نظریه عوالم، اصل فردیت، نظریه عقل، برهین اثبات واجب‌الوجود، نظریه قدیم یا حادث بودن عالم و غیره، تقریباً به طور تمام عیار توسط فلاسفه آن زمان مورد بهره‌برداری قرار گرفته و سنگ بناهایی برای شکل‌گیری نظام‌های بزرگ مدرسیان در سده سیزدهم گردیدند. در عصر حاضر نیز موضع واقع‌گرای اندیشمندان و محققان اسپانیایی، در شیوه برخورد با نقش متفکران اسلامی در فلسفه و تأثیر آن در فلسفه مدرسی و سپس در رنسانس غرب، بهترین تصویر را از جایگاه و نقش تفکر اسلامی در جهان غرب ارائه می‌کند. انجام تحقیقات دامنه‌دار توسط اندیشمندان معاصر اسپانیایی

در زمینه حکمت سینوی و حضور تفکر ابن سینا در محافل علمی و برنامه‌ها و دروس دانشگاهی اسپانیا نیز گواهی روشن بر این ادعاست. مطالعه و تحقیق دامنه‌دار توسط متفکران اسپانیایی جهت شناخت و تعمیق حکمت سینوی، رسالت پژوهشگران داخلی را در ضرورت انجام تحقیقات بنیادی با هدف معرفی آرا و نظریات مفاخر بزرگ علمی جهان اسلام، بیش از پیش تبیین می‌نماید.

منابع و مأخذ

- ❖ Farjeat, L. X., *Filosofia Arabe Islamica*, Cruz O.S.A, No.88 Mexico, 2007
- ❖ Fuentes, J.L, “*Avicena*”, Enciclopedia Rialap, Editorial Rialp, 1991
- ❖ ———, *Avicena Esential*, Monteciones Editor, S, A, 2009
- ❖ Gazaquez J.M. “*Traducciones Arabo-Latian en Espana*”, Filologia mediolatina II, Universidad Autonoma de Barcelona, 1995
- ❖ Guerrero, R.R, “*Avicena: Sobre el Amor*”. Anales del seminario de historia de la filosofia, Universidad Complutense, Madrid, 2008
- ❖ ———, *Filosofia Arabe y Judia*, Madrid, Sintesis, 2001
- ❖ ———, “*Filosofia y Místico: Avicena y Ibn Tofail*”, Anales del seminario de Historia de la Filosofia, No.15, Universidad complutense, Madrid, 1998
- ❖ ———, *Historia de la filosofia Medieval*, Madrid, Akal, 1996
- ❖ ———, *Una breve historia de la filosofia Arabe*, Madrid, Cincel, 1985
- ❖ Hernandez, M.C, “*El Problema de la Autentica Filosofia de Avicena y su Idea del Destino del Hombre*”, Revista de Filosofia, No.5, Editorial Complutense, Madrid, 1992
- ❖ ———, “*El Rrecepcion de los Falasifa Orientales en. al - Andalus: Problemas Criticos*”, Anaquel de Estudios Arabes, IV Madrid, 1993
- ❖ ———, Lomba Fuentes, J.L, Puig Muntada J.P & Guerrero, R.R, “*Filosofia medieval arabe en Espana*”, Anales del Seminario

de Historia de la Filosofiam, N.18, Universidad Complutense, Madrid, 2001

- ❖ Muntada J.P, "*M. Cruz Hernandez y la Filosofia Arabe*" Anthropos, No.86-87, Barcelona, 1988
- ❖ Segovia, C.A, *Avicena, Cuestiones Divinas "Ilahiyyat"*, Textos, Escogidos, edicion y traduccion, Biblioteca Nueva, Madrid, 2006
- ❖ ———, "*Elpensamiento en la Edad Media*", Anales del Seminario de Historia de la filosofia, No.18, Universidad complutense, Madrid, 2001